

تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی تهران

دکتر کرامت‌اله زیاری

دانشیار جغرافیا دانشگاه یزد

چکیده

تحولات فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی قرن ۱۹ و ۲۰ متأثر از مدرنیسم، گسترش سریع شهرها و پیدایش کلان شهرها، شهر - منطقه‌ها را موجب شده و تغییرات بنیادی را در ساختار و سازمان فضایی - کالبدی آنها به وجود آورده است. در این میان شهر تهران با پیشینه‌ای اندک نسبت به سایر شهرهای بزرگ کشور به گونه‌ای شتاب‌آلود توسعه یافته و در ساختار و بافت داخلی آن تحولات اساسی صورت پذیرفته و به عنوان ابرشهر یا شهر مسلط کشور و به صورت پل ارتباطی با جهان خارج و داخل عمل نموده و بر کلیه ساختار داخلی شهرهای کشور و روستاها تأثیرگذار بوده است. این مقاله بر آن است تا چگونگی تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی (مدرنیسم) را در سیر روند تحولات شهر تهران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، انقلاب صنعتی، توسعه فضایی، مبانی نظری پژوهش

مقدمه

این مقاله تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی یا مدرنیسم را در توسعه فضایی تهران مورد بررسی قرار می‌دهد. «رنسانس»، «اصلاح‌گرایی مذهبی»، «روشنگری و انقلاب صنعتی» را از ارکان اساسی مدرنیسم یا نوگرایی و مدرنیته در اروپا می‌توان برشمرد. نوگرایی و اثر آن مدرنیته تأثیراتی اساسی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی - فضایی بسیاری از کشورها برجای گذاشته است.

در ایران رویارویی با اندیشه‌ها و فنون جدید از اواسط قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) به این سو آغاز گردید. اشاعهٔ مدرنیسم اروپایی با ثمرهٔ آن، شبه مدرنیسم در ایران توسط دولت و نهادهای غیردولتی در امور علمی («کل‌گرا») و در امور اجتماعی و فضایی («همگون‌گرا») بوده و جایگاه خرده مدلهای نوگرایی در جامعه شهری بویژه تهران بوده است.

در دورهٔ قاجار با تلفیق مفاهیم کهن و نو در تفکر هنری، نوعی اندیشهٔ التقاطی در ساخت شهر تهران به وجود می‌آید و به نوعی تأثیرپذیری از نوگرایی اروپا آغاز می‌شود. در دورهٔ پهلوی نوگرایی از سوی سرمایه‌گذارهای خارجی و عاملان بومی آن طلب می‌گردد و عملکردهای جدیدی در هستهٔ کهن تهران جای می‌گیرد. کم‌کم ساختمان‌های قدیمی از میان برداشته می‌شود و تهران ورای بافت قدیمی و باروهای قدیمی توسعه می‌یابد و مجموعه‌های مسکونی اطراف شهر ایجاد می‌شود و این شهر در اواخر این دوره و دوره بیست سالهٔ اخیر به منطقهٔ شهری گسترده و به‌عنوان شهر مسلط با بهره‌گیری از اندیشه نوگرایی تبدیل می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

چهار رخداد شامل رنسانس، اصلاح‌گرایی مذهبی، روشنگری و انقلاب صنعتی، ارکان اساسی مدرنیسم یا نوگرایی و مدرنیته را در اروپا آفریدند. معمولاً آغاز رنسانس به معنی تجدید حیات علمی - فرهنگی، به قرن ۱۴ و شهر فلورانس ایتالیا بازمی‌گردد که در آنجا عقاید و افکار اومانیستی در حال ظهور بود. قرن ۱۴ تا اواخر قرن ۱۵ به رنسانس اولیه یا آغازین و پایان قرن ۱۵ به بعد به رنسانس عالی یا پیشرفته موسوم است. طی این دوره شهرهای و نیز و رم پا به پای فلورانس در شکوفایی و رونق هنر، ادبیات، فرهنگ و تکامل اندیشه‌های اجتماعی گام برمی‌دارند. اندیشهٔ رنسانس از قرن ۱۶ به بعد به مدت یکصد سال در اروپا جایگاه خاصی یافت. البته پیدایش جنبش دائرةالمعارف و ارجاعات و اشارات به رنسانس هنرهای زیبا و ادبی، تأثیر عمیقی در تاریخ و ادبیات و هنر بر جای گذاشت. دومین جنبش تأثیرگذار در اروپا («اصلاح مذهبی») بود که در قرن ۱۶ به منظور اعمال اصلاحاتی در نظریات و عقاید دینی کلیسای کاتولیک آغاز شد و تأثیرات عمیقی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب گذاشت.

سومین پدیده، اصل روشنگری یا جنبش فکری و نهضت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که ایمان به عقل را به عنوان بستر مناسب آزادی اندیشه و نقد و کلید اصلی دانش، شناخت و پیشرفت بشری می‌داند (نوذری، ۱۳۷۹).

چهارمین رکن مدرنیته، انقلاب صنعتی است که در نیمه دوم قرن ۱۸ تا نیمه اول قرن ۱۹ امتداد می‌یابد. چارچوب این رخداد به کل تغییرات و تحولات اقتصادی مربوط می‌شود. ظهور شیوه‌ها و ابزار مدرن و رشد تکنولوژی، تولید انبوه کالا و فضاهای کالبدی را فراهم می‌سازد و موجب گذر از جامعه ثابت کشاورزی و تجارت به جامعه صنعتی مدرن می‌گردد (روگر، ۱۹۸۳: ۲۲۲).

در این فرآیند مدرنیسم و اثر آن مدرنیته، تأثیراتی بنیادی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی - فضایی به شرح زیر در جهان داشته است:

۱- در حوزه اجتماعی: تحولات اجتماعی که از قرن ۱۸ شروع شد، در قرن ۱۹ گسترش یافت و در قرن ۲۰ پس از جنگ به اوج خود رسید. حوزه‌های فرعی در بعد اجتماعی شامل حوزه طبقه، حوزه جنسیت و حوزه نژاد ایجاد شد.

۲- در حوزه سیاست: پیدایش نظام‌های سیاسی جدید، فروپاشی نظام‌های استبدادی کهن، ایجاد نظام‌های جمهوری، پیدایش دموکراسی و دولت در جوامع سرمایه‌داری، تحول در عرصه نظام‌های قدرت، تحول در فرهنگ سیاسی، ظهور جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، تغییر نگرش در صحنه‌های سیاسی.

۳- در حوزه اقتصاد: تغییر در زیرساخت‌های اقتصادی، روابط اقتصادی میان شهروندان، پیدایش نظام‌های اقتصادی، ظهور دولت رفاه، ظهور کارتل‌ها و تراست‌ها و شرکت‌های چندملیتی، فوردیسم یا عصر صنایع نوین، تقسیم کار، تغییر الگوی شغلی و الگوی مصرف.

۴- حوزه فرهنگی: تحول در نظام‌های فرهنگی، پیدایش فمینیسم، تحول فرهنگ تجسمی، امنیت فردی و اجتماعی، تحول در آموزش و پرورش، تحول علمی، تحول در مذهب، تحول در ایدئولوژی، تحول رسانه‌ای و ارتباطات الکترونیکی، تحول ماهواره‌ای و عصر اطلاعات و...

۵- حوزه فضایی - کالبدی: ایجاد مگالوپلیس‌ها، تحول در نظام و شبکه شهری، از بین رفتن فاصله زمانی - مکانی، تغییر در الگوی سکونتگاه‌ها، تغییر در مسکن، ایجاد بزرگراه‌ها و شبکه‌های هوایی - زمینی و پیدایش شهرهای الکترونیکی، تغییر الگوی زیست و...

رویاری ایرانی با کشورها و اندیشه‌ها و فنون جدید اروپایی، از اواسط قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) به این سو، آغاز شده است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی - فضایی مهمی داشته است.

یک جنبه از مدرنیسم اروپایی، کاربرد نیندیشیده و غیرانتقادی نظریه‌ها، روش‌ها، تکنیک‌ها و آرمان‌های برگرفته از تجربه کشورهای پیشرفته است که اندیشمندان، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و سایر متفکران به کار می‌بندند. شبه مدرنیسم، ثمره مدرنیسم اروپایی یا مدرنیسم جهان سومی است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۴۲). که در ایران نگرش‌ها و برخوردهای متفاوتی را برانگیخت.

در اشاعه شبه مدرنیسم در ایران، دولت و نهادهای دولتی و شماری از روزنامه‌نگاران، نویسندگان، شاعران، نمایشنامه‌نویسان، روشنفکران، معماران، شهرسازان و اهل علم، سهم بسزایی داشتند. گرچه دوره رضاخان را بسیاری از نظریه‌پردازان سرآغاز غلبه شبه مدرنیسم یا نوگرایی نامیده‌اند، ولی تأثیرپذیری ایران از مدرنیسم با سفرهای ناصرالدین شاه (و حتی فتحعلی‌شاه) به اروپا آغاز شد و در دوره رضاشاه گسترده گشت.

مدرنیست‌های اروپایی و مقلدان سطحی آن‌ها در ایران، در مورد امور علمی («کل‌گرا») و در مورد امور اجتماعی («همگون‌گرا») بوده‌اند. شبه مدرنیسم در ایران کوشش نمود تا خرده مدل‌های نمایشی را که نشان‌دهنده همگونی جوامع ایرانی با جوامع اروپایی باشد خلق کند.

در این فرآیند جایگاه نوگرایی یا شبه‌مدرنیسم، جامعه شهری است و نتیجه آن ایجاد کارخانجات صنعتی برای مصارف داخلی، تحول در بافت شهرها، ایجاد خیابان‌ها، تحول در نوع و نحوه ساختمان‌ها از یک‌سو و ایجاد مؤسسات اداری (ثبت، شهرداری، نظمی) تحول در ایجاد ارتش جدید، خدمات آموزشی، صنایع و توسعه سریع فضایی - کالبدی شهرهاست.

روش پژوهش

با توجه به این که پیش‌فرض پژوهش که عبارتست از: تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی (مدرنیسم) در توسعه فضایی تهران تأثیر اساسی داشته است، رویکرد حاکم بر روش تحقیق «توصیفی تحلیلی» است. ابتدا با بررسی منابع، مبادرت به تدوین مبانی نظری پژوهش گردیده آنگاه با رجوع به متون و اطلاعات آماری، چگونگی توسعه فضایی تهران، ناشی از رخداد نوگرایی یا مدرنیسم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیر تحول توسعه فضایی تهران

اولین دوره توسعه فضایی تهران با از بین رفتن نقش اقتصادی، سیاسی شهر ری و انتقال این نقش به تهران آغاز می‌شود. تهران در این برهه، از شهرهای مشهد و قزوین کم‌اهمیت‌تر بوده است. بازار دارای رونق بود و محلات شهری در جوار آن شکل می‌گرفتند. شاه طهماسب که مقرش در قزوین بود به دلایل عقیدتی (وجود مقبره جدش در حضرت عبدالعظیم) و سیاسی؛ به احداث و ایجاد برج، بارو، حصار، باغ شهر، مسجد، بازار و دارالحکومه در تهران پرداخت. در این دوره نگاه به جهان خارج وجود داشته و خارجی‌ان و فرستادگانی از تهران بازدید نمودند. در این دوره عوامل تأثیرگذار در توسعه فضایی تهران را نقش تجاری، جغرافیایی، مازاد ناشی از کشاورزی، استراتژیک و نظامی می‌توان برشمرد. دومین دوره توسعه فضایی تهران، مصادف با گزینش به پایتختی تا زمان رضاخان است. گرچه نقش عمده تهران در این دوره سیاسی است ولی از نظر اقتصادی و تجاری نیز حایز اهمیت بوده است. در این دوره ایران تحت نفوذ تمدن غرب و سرمایه‌داری جهانی قرار گرفت. ادارات، سفارتخانه‌ها، دیوانخانه‌ها، محلات اروپایی‌نشین و شخصیت‌های سیاسی توسعه یافتند.

شروع تحولات برون‌زا ناشی از هجوم سرمایه‌داری به ایران را باید در دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار دانست اما به دلیل تأثیر همه‌جانبه خرده‌ساخت سیاسی بر پیدایش، تداوم و گسترش شهرها، زمینه تمرکز شهری در ایران از آغاز وجود داشته است (نمونه رشد و گسترش شهرهای پایتختی در دوره‌های مختلف). در این تمرکز در قبل و بعد از توسعه برون‌زا تفاوت بنیادین وجود دارد. با آغاز پایتختی تهران از سوی آقامحمدخان، بر اساس ملاحظات سیاسی - نظامی، این شهر به مرکز مهم اداری - نظامی و سیاسی تبدیل گشت و تمرکز و مرکزیت تجاری و بازار مصرف در آن پدید آمد. در این مرحله به علت توسعه برون‌زا و میل به تمرکز سرمایه‌داری و کسب سود، صنایع نوپا در تهران پایه‌گذاری شد. جمعیت تهران در سال‌های ۱۲۶۲ هـ ش (۱۸۸۳ م)، ۱۲۷۰ هـ ش (۱۸۹۱ م) و ۱۳۰۱ هـ ش (۱۹۲۲ م) بترتیب: ۱۰۶۴۷۲ نفر، ۱۶۰۰۰۰ نفر و ۲۱۰۰۰۰ نفر بوده است.

سومین دوره توسعه فضایی تهران از زمان رضاخان (۱۳۱۰ هـ ش، ۱۹۲۱ م) آغاز می‌شود. از این دوره به بعد، عناصر شهری در نظام سیاسی و اقتصادی کشور قدرت زیادی پیدا کرد و تهران به عنوان مرکز سیاسی کشور در رأس هرم قرار گرفت. در این دوره نظریه دگرگون‌سازی و نوسازی با توجه به اندیشه نوگرایی با از دست دادن معنای تاریخی شهر به مفهوم اروپایی آن به کار گرفته می‌شود. در این نظریه شهر با تکیه بر

فرآیند انقلاب صنعتی مفهوم «کارایی و بازدهی» دچار تحول می‌شود. این مفاهیم تحت عنوان نوگرایی یا شبه مدرنیسم از سوی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عاملان بومی آن طلب می‌شود. در تهران مجموعه‌ای از تصمیمات در خیابان «چلیپایی» برای حل قضیه گردش کالا و چرخش سرمایه عملی می‌گردد.

در این زمینه وضع و اجرای مجموعه قوانین مشتمل بر قانون بلدیه (۱۳۰۹ هـ.ش، ۱۹۳۰ م) قانون توسعه معابر (۱۳۱۲ هـ.ش، ۱۹۳۳ م) اجرای نقشه خیابان‌های بوذرجمهری و خیام، تخریب دیوارهای تهران قدیم و جانشین آن خیابان کمربندی، ایجاد خیابان‌های انقلاب در شمال، ۱۷ شهریور (شهناز) در شرق، شوش در جنوب، کارگر در غرب حاصل کار است. در سال ۱۳۱۲ مساحت تهران به ۴۶ کیلومتر مربع می‌رسد (عابدین درگوش، ۱۳۶۶: ۴۵).

در سال ۱۳۱۶، مطابق نظریه مدرنیست‌ها و تحت نظر مستشاران خارجی طرح جدید تهران تهیه گردید. در این طرح بافت شطرنجی و جدایی عملکردهای شهری بنا بر یک منطقه‌بندی خشک طراحی شد. مطابق این نظریه عملکردهای جدید در هسته کهن شهر جای گرفت و بر روی خرابه‌های ساختمان‌های قدیمی (ارگ) و... ساختمان‌های دادگستری و دارایی به‌سبک جدید ساخته شد. در این ایام ساختمان‌های اداری جدید شامل موزه ایران باستان، وزارت خارجه، شهربانی، ثبت، وزارت جنگ و پست به‌وجود آمدند. در حقیقت سبک‌های تهران را در دوره رضاشاه به شرح زیر می‌توان عنوان نمود:

۱- مجد و عظمت ایران گذشته (ساختمان‌های بانک ملی، ایران باستان، شهربانی و...)
 ۲- سبک آلمانی (مدرنیسم) (شامل ساختمان‌های دارایی، دادگستری، راه‌آهن و دانشگاه تهران)

۳- سبک‌دوران باروک (خیابان جمهوری اسلامی، چهارراه اسلامبول و مجدالدوله)
 در مجموع، سه یا چهار سبک ملی، کلاسیک و مدرن را به عنوان گوشه‌ای تأثیرگذار در تهران می‌توان برشمرد.

چهارمین دوره توسعه فضایی تهران در دوره محمدرضا پهلوی آغاز گردید. مدرنیسم (۳۲-۱۳۲۰ هـ.ش، ۱۹۵۳-۱۹۴۱ م) توسط دانش‌آموختگان مدارس اروپایی به عنوان الگوی نوین توسعه فضایی، در مجموعه‌های مسکونی تهران پارس، نازی‌آباد، یوسف‌آباد، نارمک و منظریه مورد استفاده قرار گرفت. همزمان در این دوره با تولد اولین برنامه هفت‌ساله کشور (۳۴-۱۳۲۷) که اتکاء بر توسعه برون‌زا داشت، پایتخت را به قطب اصلی فعالیت‌های دولت و مؤسسات خصوصی متمرکز بدل نمود. متعاقب این

برنامه، لایحه قانونی اراضی در سال (۱۳۳۱ هـ ش، ۱۹۵۲ میلادی)، توسعه فضایی تهران را سرعت بخشید. در فاصله ۳۲-۱۳۲۰ هـ ش گرچه الگوی مدرنیسم، دگرگون‌سازی و نوسازی در تهران به کار گرفته شد، اما تهران هیچ گاه به یک مجموعه تولیدی تبدیل نشد. در مجموع مداخله در تهران از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ هـ ش ناشی از یک خواست توسعه اقتصادی - اجتماعی به معنای خاص کلمه نبود، بلکه بیشتر متأثر از بازتاب جهانی و دخالت سیاسی صورت پذیرفت. در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۵ و ۱۳۲۹ هـ ش جمعیت شهر تهران به ۷۰۰ هزار نفر و ۸۸۰ هزار نفر و ۹۸۹ هزار نفر بالغ گردید (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۷۰-۱۶۰).

پس از سال ۱۳۳۲ تهران بشدت توسعه یافت؛ در سال ۱۳۴۴ طرح جامع تهران مطرح و در ۱۳۴۴/۹/۱۴ به تصویب رسید.

طی سال‌های (۵۷-۱۳۳۲ هـ ش، ۱۹۷۸-۱۹۵۳ م)، تدوین و اجرای برنامه‌های عمرانی دوم (۴۱-۱۳۳۴ هـ ش، ۱۹۶۲-۱۹۵۵ م) سوم (۴۶-۱۳۱۴ هـ ش، ۱۹۶۷-۱۹۶۲ م)، چهارم (۵۱-۱۳۴۶ هـ ش، ۱۹۷۲-۱۹۶۷ م). پنجم (۵۶-۱۳۵۱ هـ ش، ۱۹۷۷-۱۹۷۲ م)، اصلاح قوانین توسعه معابر و زمین‌های گودهای جنوب تهران (۱۳۴۲ هـ ش، ۱۹۶۳ م) قانون تملک آپارتمان‌نشینی (۱۳۴۳ هـ ش، ۱۹۶۵ م)، تأسیس وزارت مسکن و آبادانی (۱۳۴۲ هـ ش، ۱۹۶۳ م)، ایجاد شورای عالی معماری و شهرسازی کشور (۱۳۵۳ هـ ش، ۱۹۷۴ م)، تغییر نام وزارت آبادانی مسکن به مسکن و شهرسازی (۱۳۵۳ هـ ش، ۱۹۷۴ م)، اجرای اصلاحات اراضی، توسعه صنایع مونتاژ، استفاده از منابع حاصل از درآمد نفت در سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و خدمات، بورس بازی زمین، رانت‌های سیاسی - اقتصادی، وام‌های خارجی، ایجاد زیرساخت‌ها، تمرکز اداری - سیاسی و فرآیند حاکم بر برنامه‌ریزی کشور کاهش ضریب اشتغال در بخش کشاورزی، افزایش سهم خدمات و صنعت در کل ساختار اشتغال، کاهش مازاد اقتصاد روستایی و جایگزینی نفت، مهاجرت پله‌ای و خالی شدن حاشیه کشور و تمرکز امور در مرکز، تهران را به شهر بزرگی مبدل ساخت. با تثبیت موقعیت سیاسی کشور بعد از سال ۱۳۳۲ و تحکیم موقعیت تهران به عنوان بزرگ‌ترین مادر شهر کشور و کانون تمرکز سرمایه و سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در فاصله ۴۵-۱۳۳۵ سه شهر شهریار، پیشوا و اشتهارد به منظومه شهرهای تهران پیوست. در بین دوره ۵۵-۱۳۴۵، هفت شهر قرچک، اسلامشهر، نظرآباد، هشتگرد، دماوند و رباط کریم و رودهن در منظومه شهری تهران هویت می‌یابند (جدول ۲). ولی رشد شتابان اسلام شهر نتیجه تحولات بعد از انقلاب اسلامی است.

از لحاظ الگوی نظری، تحولات فضایی این دوره، تحت تأثیر ادغام کامل ایران در اقتصاد جهانی، الگوهای مسلط رشد سرمایه‌داری، ساختارگرایی و نیازهای اساسی و بهره‌گیری از مدل مرکز - پیرامون در تدوین و اجرای پنج برنامه عمرانی، مدرنیسم و دگرگونسازی و نوسازی، نفت و توسعه برون‌زا قرار داشته است. در این زمان شهرک‌سازی‌های اطراف تهران، جهات گسترش فضایی آن را وسیعتر از طرح جامع به پیش برد.

دوره پنجم را می‌توان از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی (۱۳۵۷ هـ ش، ۱۹۷۹ م) برشمرد. در این دوره، نه تنها از توسعه فضایی تهران کاسته نشد، بلکه به دلیل ناموفق بودن سیاست‌های مبتنی بر عدم هماهنگی و کنترل میان ارگان‌ها و نهادهای دولتی، ارائه بی‌رویه زمین به مردم بخصوص در دهه اول انقلاب، مراجع تصمیم‌گیری، مهاجرت‌های ناشی از جنگ هشت ساله، گسترش دانشگاه‌ها، تهران به صورت بی‌رویه گسترش یافت و مساحت آن در فاصله ۲۱ سال به حدود بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع رسید و منطقه شهری گسترده‌ای را شامل شهرستان‌های تهران، کرج، ورامین، ری، شمیرانات، ساوجبلاغ و شهریار (و با ۱۳ هزار کیلومتر مربع و کمتر از یک درصد مساحت کشور) به وجود آورد (زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۴-۲۳).

بر اساس شاخص تمرکز شهری، تمرکز شهری^۱ در تهران در سال ۱۳۷۹ هـ ش، حدود ۰/۵۳۳۳، در سال ۱۳۳۵ معادل ۲/۳۵۶۷، در سال ۱۳۶۵ برابر ۱/۷۶۵۹ و در سال ۱۳۷۵ حدود ۱/۶ بوده است. ارقام مذکور حاکی از متمرکز شدن تهران طی دوره ۷۶ ساله ۱۳۵۵-۱۳۷۹ است (۴/۴ برابر). اما در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵، یعنی بعد از انقلاب از شاخص تمرکز شهری تهران کاسته شده است (۰/۶۸ برابر) بهره‌گیری مدل تسلط و تقدم تک‌شهری^۲ نشان می‌دهد که طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ از مقدار این شاخص در شهر تهران نه تنها کاسته شده بلکه در شهرهای مشهد و اصفهان وضعیت مشابه رخ داده است (جدول ۳).

۱- شاخص تمرکز شهری بر اساس فرمول $\frac{p1}{p2 + p3 + p4}$ بدست می‌آید. P1 جمعیت شهر اول و P2, P3, P4 به ترتیب جمعیت شهرهای دوم، سوم و چهارم کشور است.

۲- مدل تقدم و تسلط تک‌شهری بر اساس مدل $pn = \frac{p1}{n}$ که در آن Pn جمعیت شهر n ام، P1 جمعیت شهر اول و Pn شهر n ام، بدست می‌آید.

مقایسه جمعیت پنج متروپل تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز با جمعیت شهری کشور حاکی از کاهش متوسط رشد سالانه جمعیت آن‌ها در بعد از انقلاب نسبت به جمعیت شهری کشور است.

داده‌های جدول ۱ مبین آنست که متوسط رشد جمعیت تهران در دو دهه گذشته به ۲/۹ درصد و ۱/۱۲ درصد کاهش یافته، اما در همین دو دهه متوسط رشد سالانه جمعیت شهری کشور ۵/۴ درصد و ۳/۱۷ درصد بوده است (۱/۸۶ برابر و ۲/۸۳ برابر تهران). در تحلیل تحولات کاهش رشد جمعیت شهر تهران و ضریب تمرکز شهری در بعد از انقلاب، به مسایل و مشکلات صدور دفترچه بسیج اقتصادی در دوره جنگ (۶۸-۱۳۵۹)، گرانی و افزایش کالاها بخصوص مسکن، توان ضعیف مهاجران و تراکم بیش از حد تهران برمی‌گردد. در این زمینه مهاجران در سکونتگاه‌های شهری و روستایی منطقه شهری تهران استقرار یافتند و از این مراکز به عنوان خوابگاه استفاده نمودند و عمدتاً در تهران مشغول کار می‌شوند (۲۱ درصد مهاجران کشور در منطقه شهری تهران اسکان یافته‌اند).

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که تعداد شهرهای منطقه شهری تهران از سه شهر در سال ۱۳۳۵ به ۶ شهر در سال ۱۳۴۵ و ۱۳ شهر در سال ۱۳۵۵ و ۱۵ شهر در سال ۱۳۶۵ و ۳۵ شهر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و مساحت محدوده به ۱۳ هزار کیلومتر مربع رسیده است. تعداد جمعیت آن طی دوره چهل ساله ۷۵-۱۳۳۵، از ۱/۹ میلیون نفر به حدود ۱۱/۲ میلیون نفر بالغ گردیده و متوسط رشد سالانه برابر ۴/۵ درصد را سپری نموده و ۵/۹ برابر شده است. در حقیقت رشد جمعیت تهران مرتباً کاهش یافته و در مقابل رشد جمعیت شهرهای منطقه شهری آن از جمله کرج در دوره‌های ۴۵-۳۵، ۵۵-۴۵، ۶۵-۵۵ و ۷۵-۶۵ بترتیب به ۱۱/۸ درصد، ۱۶/۱ درصد و ۱۱/۶ درصد ۴/۸ درصد و ورامین ۷/۹ درصد، ۸/۷ درصد، ۸/۵ درصد و ۶/۲ درصد، شهریار به ۱۳/۴ درصد، ۶/۷ درصد و ۵/۹۶ درصد و... افزایش داشته است (جدول ۲).

با گسترش فضایی تهران و بلعیده شدن روستاهای اطراف، تغییرات گسترده‌ای در کاربری فضایی به وجود آمده است و تورم نقاط جمعیتی شهری و روستایی اطراف را موجب گردیده است؛ به نحوی که طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ متوسط رشد سالانه جمعیت روستایی منطقه شهری تهران به ۹/۵ درصد و در دوره ۷۷-۱۳۶۵ به ۴/۱۸ درصد و تراکم ناخالص منطقه شهری تهران به ۸۰ نفر در کیلومتر مربع رسیده است. با خوشبینانه‌ترین سناریو (رشد حدود ۳/۵ درصدی) جمعیت منطقه شهری تهران در سال ۱۴۰۰ هـ ش به ۲۶ میلیون نفر خواهد رسید. هم‌اکنون شهر تهران با محدودیت‌های جدی توسعه روبروست زیرا در چند سال گذشته بیش از ۳۰۰ هکتار از اراضی داخل

محدوده پنجساله و ۲۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی محدوده ۲۵ ساله زیر ساخت و ساز رفته است و باغ‌های پیرامون نیز مورد هجوم واقع شده است (زیاری، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

جدول ۱: الگوی پراکنش و رشد جمعیت متروپلهای عمده ایران طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵

					سال
۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	موضوع
۶۰۰۵۵	۵۵۸۳۷	۴۹۴۴۵	۳۳۷۰۹	۲۵۷۸۹	جمعیت کل کشور (هزار نفر)
۶۱۴	۵۱۴	۴۹۶	۳۷۳	۲۷۱	تعداد شهر
۳۶۷۰۰	۳۱۷۳۷	۲۶۸۴۵	۱۵۸۵۵	۹۷۹۴	جمعیت شهری کشور (هزار نفر)
۳/۱۷	۳/۴۷	۵/۴	۴/۹	-	* رشد جمعیت شهری کشور
۱۲۱۵۶	۱۱۴۱۴	۱۰۲۳۱	۶۸۸۳	۴۲۲۶	جمعیت پنج شهر (هزار نفر)
۱/۷۳	۲	۴/۱	۵	-	رشد جمعیت پنج شهر
۲۰/۲	۲/۴	۲۰/۹	۲۰/۴	۱۶/۴	درصد جمعیت پنج شهر کل کشور
۶۷۵۹	۶۴۷۵	۶۰۴۲	۴۵۳۰	۲۷۱۹	جمعیت تهران (هزار نفر)
۱/۱۲	۱/۵	۲/۹	۵/۲	-	رشد جمعیت تهران
۱۱/۲	۱۱/۶	۱۲/۲	۱۳/۴	۱۰/۵	درصد جمعیت تهران به کل کشور
۳۳/۱	۳۵/۹	۳۹/۳۳	۴۴/۴	۴۳/۱	درصد جمعیت پنج شهر به جمعیت شهری کشور
۱۸/۴	۲۰/۳	۲۲/۴	۲۸/۶	۲۷۸۸	درصد جمعیت تهران به جمعیت شهری کشور
۱۲۶۶	۱۱۲۷	۹۸۶	۶۶۱	۴۲۴	جمعیت شهر اصفهان (هزار نفر)
۲/۵۳	۲/۷	۴	۴/۵	-	رشد جمعیت شهر اصفهان
۳/۴۵	۳/۵	۳/۷	۴/۲	۴/۳	درصد جمعیت شهر اصفهان به جمعیت شهری کشور
۱۸۸۷	۱۷۵۹	۱۴۶۳	۶۶۷	۴۰۹	جمعیت شهر مشهد
۲/۵۷	۳/۷۵	۸/۲	۵	-	رشد جمعیت مشهد
۵/۱	۵/۵	۵/۴	۴/۲	۴/۳	درصد جمعیت شهر مشهد به کل جمعیت شهری کشور
۱۱۹۱	۱۰۸۸	۹/۷۱	۵۹۷	۴۰۳	جمعیت شهر تبریز
۲	۲/۳	۵	۴	-	رشد جمعیت شهر تبریز
۳/۲۵	۳/۴	۳/۶	۳/۸	۴/۱	درصد جمعیت شهر تبریز به کل جمعیت شهری کشور
۱۰۵۳	۹۶۵	۸۴۸	۴۲۵	۲۶۹	جمعیت شهر شیراز
۲/۱۹	۲/۶	۷/۱	۴/۷	-	رشد جمعیت شهر شیراز
۲/۸۷	۳	۳/۲	۲/۷	۲/۷	درصد جمعیت شهر شیراز به کل جمعیت شهری کشور

* رشد جمعیت در ستون آخر مربوط به دوره ۷۵-۱۳۶۵ است

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، محاسبه شده توسط نویسنده.

جدول ۲: جمعیت و متوسط رشد سالانه برخی از شهرهای اطراف تهران طی سالهای ۷۰-۱۳۳۵

۱۳۶۵-۷۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۳۵-۴۵	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر
۲/۱۲	۲/۹	۵/۲	۵/۷	۶۷۵۸۴۵	تهران	۶۰۲۳۵۸۴	تهران	۴۵۳۰۲۲۲	تهران	۳۷۱۹۰۰۰	تهران	۱۵۶۰۹۳۳	تهران	۱۵۶۰۹۳۳	تهران
۴/۸	۱۱/۶	۱۶/۱	۱۱/۸	۵۸۹۹۵۴	کرج	۵۸۹۹۵۴	کرج	۱۹۷۳۰	کرج	۴۴۳۳۳	کرج	۱۴۵۲۶	کرج	۱۴۵۲۶	کرج
۶/۳	۸/۵	۸/۷	۷/۹	۵۸۳۱۱	ورامین	۵۸۳۱۱	ورامین	۲۵۷۹۲	ورامین	۱۱۱۸۳	ورامین	۵۲۰۵	ورامین	۵۲۰۵	ورامین
۵/۸۶	۶/۷	۱۳/۴	-	۴۰۰۵۸	شهریار	۳۳۳۳۲	شهریار	۱۱۶۹۷	شهریار	۶۶۲۶	شهریار		شهریار		
۵/۶	۵/۶۹	۴/۶	-	۳۹۸۱۴	پیشوا	۱۳۲۸۳	پیشوا	۹۹۳۴	پیشوا	۶۳۳۲	پیشوا		پیشوا		
۲/۴۲	۴/۸	-۰/۱۴	-	۱۰۲۸۴	اشتهارد	۸۰۹۵	اشتهارد	۵۰۳۴	اشتهارد	۵۱۴۹	اشتهارد		اشتهارد		
۶/۲	۱/۸	-	-	۱۴۲۶۹۰	قرچک	۷۷۹۵۷	قرچک	۱۴۹۲۵	قرچک		قرچک				
۲/۱	۱۵/۶	-	-	۲۶۵۵۴۰	اسلامشهر	۲۱۵۱۲۹	اسلامشهر	۵۰۴۹۲	اسلامشهر		اسلامشهر				
۱۲/۳	۸/۲	-	-	۶۹۳۳۲	نظرآباد	۳۱۶۶۰	نظرآباد	۹۸۸۹	نظرآباد		نظرآباد				
۷/۲	۱۱/۴	-	-	۳۳۵۶۸	هشتگرد	۱۶۶۶۱	هشتگرد	۵۶۸۲	هشتگرد		هشتگرد				
۳/۹	۴/۵	-	-	۲۲۳۳۷	دماوند	۱۵۳۰۹	دماوند	۹۹۰۲	دماوند		دماوند				
۷/۳	۱۴/۲	-	-	۳۶۴۸۸	ریاکریم	۱۷۹۰۳	ریاکریم	۴۷۶۳	ریاکریم		ریاکریم				
۱۱/۵۶	۸	-	-	۱۹۸۶۶	رودهن	۶۶۵۰	رودهن	۳۰۸۳	رودهن		رودهن				
۵/۸۳	-	-	-	۱۰۵۱۷	لوسان	۶۰۰۳	لوسان		لوسان		لوسان				
۲/۲	-	-	-	۶۷۶۲	اوشان فشم	۵۳۳۷	اوشان فشم		اوشان فشم		اوشان فشم				
					و میگون		و میگون		و میگون		و میگون				

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماریهای نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

جدول ۳: شاخص و تقدم تسلط تک‌شهری در ایران در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

استان	۱۳۶۵	۱۳۷۵	استان	۱۳۶۵	۱۳۷۵
خراسان	۱۱/۳	۱۱/۱	گیلان	۳/۲	۴/۲
تهران	۱۱	۷/۲	کرمان	۲/۸	۲/۸
فارس	۹/۷	۱۰/۲	آذربایجان غربی	۲/۶	۳/۶
باختران	۷/۷	۸/۵	همدان	۲/۶	۲/۸
هرمزگان	۷/۵	۶/۱	چهارمحال و بختیاری	۲/۱	۲/۴
اصفهان	۷/۱	۶/۳	کهگیلویه و بویر احمد	۱/۵	۱
سیستان و بلوچستان	۷/۱	۵/۵	بوشهر	۱/۸	۱/۵
یزد	۶/۸	۷/۴	لرستان	۱/۱	۱/۳
مرکزی	۴/۲	۷/۴	مازندران	۱	۱
خوزستان	۴/۱	۳/۸	زنجان	۰/۹	۵/۲
آذربایجان شرقی	۳/۴	۹	سمنان	۰/۸	۰/۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، محاسبه شده توسط نویسنده

در تحلیل توسعه فضایی تهران در دوره پنجم وابستگی به اقتصاد جهانی، اتکا به مازاد ملی نفت، توسعه برون‌زا، توجه به تئوری برنامه‌ریزی مرکز - پیرامون در بحث نظری و عملی برنامه‌ها، سرمایه و شبکه‌های اطلاعاتی تحت الگوی نظری مدرنیسم، بیشتر فرصت‌های شغلی را در تهران متمرکز کرده است. نتایج بررسی نگارنده مبین آن است که مهاجرت پله‌ای و مازاد تولید، از روستاهای کشور به شهرهای کوچک، شهرهای متوسط، مادر شهرهای منطقه‌ای و سپس به ابر شهر تهران انجام و در مقابل نوآوری و کالاهای ساخته و خدمات فنی برتر از مسیر بالعکس به پایین‌ترین سطوح مکانی کشور سرازیر می‌گردد. مشکل شهر مسلط تهران، ریشه در مسایل کل جامعه و نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های حاکم بر کشور و ساختار اقتصادی - اجتماعی متأثر از آن و سیستم جهانی و تحولات ناشی از انقلاب صنعتی دارد.

نتیجه

اولین دوره توسعه فضایی تهران با انتقال نقش سیاسی، اقتصادی شهر ری به دیه تهران در حدود ۵۷۰ سال پیش (۱۴۳۰م) شروع می‌شود. در این دوره، ساختار سیاسی - اداری از طریق احداث برج و بارو، حصار، مسجد، بازار و دارالحکومه در توسعه فضایی

باغ شهر تهران مؤثر واقع می‌شود. دومین دوره توسعه فضایی تهران از زمان آقامحمدخان شروع و تا پایان سلسله قاجار به مدت ۱۳۵ سال (۱۱۶۵ هـ ش، ۱۷۸۶ م تا ۱۳۰۰ هـ ش، ۱۹۲۱ م) ادامه می‌یابد. تحولات وسیع اقتصادی و فرهنگی در سایه نظم جدید جهانی و اصلاحات عمیق فرهنگی در اروپا، هجوم سرمایه‌داری از طریق توسعه برون‌زا، در ساختار سیاسی - اداری تأثیر می‌گذارد و در توسعه فضایی تهران اتفاق می‌افتد.

در دوره بیست ساله رضاخان (۱۳۰۰ هـ ش تا ۱۹۲۱ هـ ش تا ۱۳۲۰ هـ ش، ۱۹۴۱ م) توسعه فضایی تهران تحت تأثیر اندیشه شبه مدرنیسم یا نوگرایی که ریشه در فلسفه، فرهنگ، رفتار و سیاست اروپا دارد و از گفتمان عدم توجه به مکان و زمان فرهنگ و قطع ارتباط با گذشته پیروی می‌کند، شروع می‌شود.

در این دوره، سرمایه‌داری وابسته، توسعه برون‌زا، در توسعه فضایی تهران از طریق سبک تهران و سبک بین‌الملل فضاهای کالبدی را می‌آفریند. در این دوره جمعیت تهران ۲/۵ برابر می‌شود و از رشد متوسط سالانه حدود ۵/۷ درصدی برخوردار می‌گردد. در دوره ۳۷ ساله پهلوی دوم (۱۳۲۰ هـ ش تا ۱۹۴۱ م تا ۱۳۵۷ هـ ش، ۱۹۷۸ م) الگوی شبه مدرنیسم در توسعه فضایی تهران تأثیر اساسی داشته است، و نقطه عطف این توسعه در نگرش به الگوی ((مرکز - پیرامون)) در تدوین و اجرای پنج برنامه عمرانی نهفته است.

تفاوت بنیادین این دوره با دوره‌های قبل، بخصوص قاجار جایگاه نفت در بودجه‌های ملی و کاهش نقش مازاد ملی حاصل از کشاورزی، پدیده اصلاحات ارضی به عنوان حرکتی در جهت توسعه برون‌زا و صنایع مونتاژ و صنعتی شدن و گذار از اقتصاد کارگاهی به اقتصاد کارخانه‌ای، شیوه زیست و مصرف است که تهران را با رشد سالانه برابر ۵/۸ درصد روبه‌رو می‌کند.

در دوره پنجم که مترادف با دوره انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی است، الگوهای مدرنیسم، در توسعه فضایی تهران تأثیرگذار است که با توجه به مسایلی از قبیل جنگ تحمیلی و هجوم مهاجران، ساختار ضعیف اقتصادی مناطق، سیاست ارائه زمین، تشدید تحولات اجتماعی و فرهنگی جهان، از تهران مجموعه شهری (منطقه شهری) گسترده‌ای می‌سازد و روز به روز بر این محدوده افزوده می‌شود. در مجموع تهران از تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی تحت عنوان مکتب مدرنیسم بیشترین تأثیر را پذیرفته است.

منابع و مأخذ :

- ۱- حبیبی، سیدمحسن: از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
 - ۲- زنجانی، حبیب‌الله: جمعیت تهران و آینده آن، مجله محیط‌شناسی، شماره ۱۵، تهران، ۱۳۶۸.
 - ۳- زیاری، کرامت‌اله: برنامه‌ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، تهران.
 - ۴- عابدین درگوش، سعید: درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶.
 - ۵- کاتوزیان، محمدعلی: اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸.
 - ۶- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵.
 - ۷- نوذری حسینعلی: صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته: بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی، انتشارات نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹.
- 8-Roger Scruton, A., *Dictionary of Political Thought*, London, Pan Book, Ltd, 1983.